

تقریر دفتر استاد سید کاظم مصطفوی «زید عزه العالی» از درس خارج فقه
استاد سید کاظم مصطفوی؛ 1391/12/20



آیا متنجس جميع احکام نجس را دارد؟

سید طباطبائی یزدی می فرماید: «الاقوي ان المتنجس منجس كالنجس ولكن لا يجري عليه جميع احکام النجس فاذا تنجس اناء بالولوغ يجب تعفيره لكن اذا تنجس اناء اخر بملاقاه هذا الاناء او صب ماء الولوغ في اناء آخر لا يجب فيه التعفیر». اصل قاعده منجسیت متنجس کامل شد و رسیدیم به اینکه می توانیم يك قاعده فقهی اصطیاد کنیم تحت عنوان منجسیت متنجس و ادله کامل شد و اشکالات رفع شد. و گفته شد اگر منجسیت متنجس موجب حرج باشد یا قابل تشخیص نباشد، در آن موارد تکلیف نیست و متنجس، منجس نیست. و اگر وسائط کثیر باشد هم در آن صورت احتمال طهارت می آید و علم اجمالی به طهارت در برابر علم اجمالی به نجاست قرار می گیرد و اتصاله الطهاره جاری است.

نظر مرحوم صاحب عروه بر عدم جریان جميع احکام است

اما فرع مترتب بر این قاعده منجسیت متنجس: فرع اول سید طباطبائی می فرماید: «ان المتنجس لا يجري عليه جميع احکام النجس» مثلاً اگر لباسی با بول اصابت کند، حکمش غسل مرتین است آنگاه آن لباس متنجس با رطوبت لباس دیگری را تنجیس کند، آن لباس دیگر نیاز به غسل مرتین ندارد. احکام نجس بر متنجس مترتب نیست.

در ولوغ کلب به ظرف اول تعفیر لازم و از متنجس ظرف دوم نیاز به تعفیر نیست مثال زده اند درباره ولوغ که اگر ولوغي صورت بگیرد، همان ظرفی که متنجس شده است بوسیله ولوغ که حکمش تعفیر است، آن ظرف اگر با رطوبت ملاقات کند با ظرف دیگر براساس قاعده منجسیت متنجس ظرف دیگر هم متنجس می شود اما تعفیر دیگر ندارد. ایشان صورت ملاقات ولوغ را به دو نحو بیان می کند: می فرماید: «فاذا تنجس الاناء بالولوغ يجب تعفيره لكن اذا تنجس اناء اخر بملاقاه هذه الاناء» اگر ظرف دیگری بود به ملاقات این انائی که ولوغ صورت گرفت «أو صب ماء الولوغ في اناء آخر» یا آبی که در داخل آن ظرف بود که ولوغ صورت گرفته بود از آن آب در ظرف دیگر ریخته شد، واجب نیست در آن ظرف

دیگر تعفیر هر چند احوط تعفیر است خصوصاً در فرض دوم.

ادله مرحوم آقای خویی بر عدم جریان جمیع احکام نجس در متنجس دلیل بر عدم ترتب سایر احکام نجس بر متنجس چیست؟ اگر ثوب به بول اصابت کند باید دو بار تطهیر بشود ولی اگر آن ثوب که متنجس است اگر اصابت کند با رطوبت با ثوب دیگر، آن ثوب دیگر یک بار تطهیر کافی است با اینکه می بینیم منشأ تنجیس بول بوده و اقتضای طبیعت بول هم تطهیر مرتین است. سید الاستاد [1] می فرماید: در این رابطه یک نکته وجدانی وجود دارد و یک نکته تحلیلی: اما نکته وجدانی که دیده می شود ثوب شماره 2) با ثوب متنجس متنجس شد) وجدانا با نجس ملاقات نکرده با متنجس ملاقات کرده و یک امر وجدانی است. اما نکته تحلیلی: ما از مجموع ادله و از نصوصی که در ابواب مختلف نجاسات آمده این مطلب را بدست آوردیم که اصل در تطهیر و ازاله نجاست غسل مره واحده است. این اصل است و مقتضای اطلاقات هم همین است و هر کجا تعدد و تعفیر و غیره در کار باشد به دلیل خاصی ثابت شده است. مضافاً بر اینکه ارتکاز هم بر همین است که تطهیر یعنی ازاله توسط یکبار صورت می گیرد. بنابراین ارتکاز و مستفاد از نصوص و مقتضای اطلاقات این حقیقت به عنوان یک اصل اعلام داشته که اصل در ازاله نجاسات غسل مره واحده است.

صحیح زرارہ

از اطلاقات یک مورد را به عنوان مثال بگوییم: صحیح زرارہ و باسناده عن حسین بن سعید (باسناده در روایت قبلی اسم شیخ آمده محمد بن الحسن و در روایت بعدی که باسناده آمده ضمیر می شود برای همان اولین محدثی که در ابتدای روایت هست) این حسین بن سعید اهوازی است که از اجلاء و ثقات است و اسناد شیخ به حسین بن سعید اسناد صحیحی است. عن حماد عن حریز عن زرارہ قال قلت له (این روایت مضمرة است ولی مضمرة زرارہ است) «قُلْتُ أَصَابَ ثَوْبِي دَمٌ رُعَافٍ أَوْ غَيْرِهِ إِلَى أَنْ أُصِيبَ لَهُ الْمَاءُ تَا آخِرَ كَيْفَ مِي فَرَمَیْد: قَالَ تَغْسِلُهُ وَ تُعِيدُ» [2] این امر به غسل اطلاقی این است که غسل مره واحده است و اگر مرتین بود ذکر می کرد.

اطلاقات ازاله نجاست یک بار غسل را می گوید

اطلاق غسل یعنی غسل واحد. غیره هم داشت یعنی مطلق نجاسات. و همین طور مطلقاتی که در ابواب مختلف نجاسات دارد می تواند این حقیقت را اعلام بدارد که نجس در صورتی که دلیل خاصی وارد نشده باشد ازاله اش به غسل مره واحده صورت می گیرد. در ابواب هشتاد و سه گانه نجاسات مراجعه کنید که مطلقات زیادی برمی خورید. بنابراین اطلاق از یک سو و از سوی دیگر عدم دلیلی بر تکرار غسل. اما اشکالاتی که اینجا مطرح است: اشکال اول: گفته می شود درباره غسل مخصوصاً غسل اگر به وسیله ولوغ باشد آن صورت دوم خالی از اشکال نیست. سید طباطبایی فرمود نیاز به تعفیر ندارد هر چند احوط تعفیر است مخصوصاً در فرض ثانی.

بیان سید حکیم در اجرای حکم نجاست در متنجس

سید الحکیم [3] می فرماید: اقوی در این فرض تعفیر است برای اینکه موضوع حکم، ولوغ در آن ظرف است و همان موضوع الان در ظرف دوم است یعنی کلبی دهان زده آن آب را و می گذاریم در ظرف دوم، و این خصوصیت را که ولوغ در آن ظرف مستقیم از سوی کلب

صورت بگيرد عرف مورد توجه ندارد. بنابر اين اقوي اين است كه آن ظرف دوم هم تعفير بشود. در صورت اول اين اشكال نمي آيد چون آب ولوغي نيست و ظرف است اما در صورت دوم آب است و آب از ظرف گرفته شده و به ظرف ديگر ريخته شده. مي فرمايد: اقوي اين است كه در اين صورت تعفير لازم است چون عرف فرق بين ولوغ مستقيم كلب كه در همان ظرف زبان بزند به آب يا همان آبي كه زبان زده كلب به آن همان آب ريخته بشود در ظرف ديگر، فرقي نمي گذارد و خصوصيت را عرف ملغا مي داند بنابر اين نسبت به هر دو تعفير واجب و لازم است.

نظر مرحوم آقاي خويي در مورد بيان سيد حكيم
اما سيد الاستاد مي فرمايد: در اين فرع اگر احتياط اعلام بكنيم كه احتياط مستحبي هميشه خوب است و حسن احتياط هيچ قابل انكار نيست. اما دليلي بر تقويت اين حكم نداريم يعني اين حكم تعفير در اناء دوم هم لازم باشد قويا دليلي نداريم.
استناد به روايت صحيحه بقباق

براي اينكه دليل ما كه صحيحه فضل ابي العباس بقباق محمد بن الحسن باسناده عن الحسين بن سعيد عن حماد عن حريز عن الفضل ابي العباس كه سند صحيح است قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ عَنْ فَضْلِ الْهَرَّةِ وَالشَّاةِ وَالْبَقَرَةِ وَالْإِبِلِ فَلَمْ أَتَزُكْ شَيْئًا إِلَّا سَأَلْتُهُ عَنْهُ فَقَالَ لَا بَأْسَ بِهِ حَتَّى انْتَهَيْتُ إِلَى الْكَلْبِ فَقَالَ رَجَسَ نَجَسٌ [4] فقط ولوغ كلب را به طور خاص امام فرمود كه رجس هست و نجس. و به طور دقيق آن ولوغ بار اول بود نه اصابت ولوغ به شئ ديگر و دقيقا همان مورد را امام فرمود رجس نجس، بنابر اين اختصاص دارد به مورد اول و مورد دوم و سوم از مدلول صحيحه اي كه دليل اصلي براي تعفير است، خارج است. تعفير اختصاص دارد به همين مورد يعني مختص به مورد دي است كه در آنجا ولوغ صورت بگيرد. كه در ادامه اين حديث در باب ديگر وسائل الشيعه آمده، مي فرمايد: «لَا يُتَوَضَّأُ بِفَضْلِهِ وَاصْبُ ذَلِكَ الْمَاءِ وَاغْسِلْهُ بِالثَّرَابِ أَوَّلَ مَرَّةٍ ثُمَّ بِالْمَاءِ» [5]. از اين روايات كه اين نکته بدست مي آيد كه قطعا تعفير متعلق است به آن انائي كه دقيقا كلب به آن دهان زده و ولوغ صورت گرفته است. اين اختصاص پيدااست و مقتضاي اطلاق هم همين اناء اول است و اناء دوم و سوم نياز به معونه اضافي ندارد.

فرمايش شهيد صدر

مؤيد بر اين مطلب شهيد صدر [6] مي فرمايد: احتمال خصوصيت در اناء اول عقلا و عرفا وجود دارد. اولين ارتباط كه حالت بخار دهان و يك آلودگي خاصي باشد آن عقلا و عرفا هم مي گويد آن دهان زده مستقيم نيست و پس از دهان زده دوباره آمده به جاي ديگر قرار گرفته، عرفا و عقلا. احتمال خصوصيت وجود دارد. در بحث تعميم، احتمال خصوصيت دو قسم است: اگر احتمال خصوصيت عقلايي بود قطعا از تعميم خبري نيست و اگر احتمال خصوصيت عقلي بود به آن احتمال اعتنا نمي شود و اينجا احتمال خصوصيت عقلايي است كه هم عقل مي گويد و هم عرف.

استدلال مرحوم آقاي خويي بر عدم جريان حكم نجس در متنجس بر ولوغ كلب
سيد الاستاد نکته ديگري را هم يادآور مي شود كه ممكن است شما بگوييد مناط اولي در حكم با مناط دومي يك چيز است، ايشان مي فرمايد: مناط احكام را فقط خدا مي داند و ما علم به غيب نداريم و ما متعبد هستيم و آنچه را نصوص بگوييد. مي فرمايد: اگر بگوييد

ميكروب كه در آنجا هم هست، نقضا و حلا جواب داده مي شود. اما نقضا ميكروب اگر كليي دهان بزند به لباس و بدن انسان، هيچ كسي نمي گويد تعفير دارد در حالي كه آنجا ميكروب هست. اما جواب حلي: از كجا معلوم است كه ميكروب از آن اولي منتقل شد به ظرف دوم، ميكروب قابل تجزيه است و ممكن است در همان قسمت اول به جدار آن ظرف الصاق شده باشد و منتقل نشده باشد به ظرف دوم. بنابر اين شك در انتقال مساوي با عدم انتقال است.

جمع بندي بحث

بنابر اين فتوا همان است كه در متن آمده است كه متنجنس متنجنس ساير احكام نجس را ندارد. اين مطلب تمام و حكم درست و صحيح است. يك سوال و يك تحليلي و استدلال ديگر كه استصحاب چه مي شود؟ شرحش براي جلسه آينده.

-
- [1] 1. تنقيح العروه الوثقي ، جلد 3 ، صفحه 232 تا 234.
 - [2] وسائل الشيعه ، جلد 2 ، باب 42 از ابواب نجاسات ، حديث 2.
 - [3] . مستمسك العروه الوثقي ، جلد 1 ، صفحه 487.
 - [4] . وسائل الشيعه ، جلد 2 ، باب 11 از ابواب نجاسات ، حديث 1.
 - [5] 2. وسائل الشيعه ، جلد 3 ، باب 70 از ابواب نجاسات ، حديث 1.
 - [6] . بحوث في شرح العروه الوثقي ، جزء 4 ، صفحه 229.